



آثار حقوقی شبیه سازی در فقه و حقوق ایران

پدیدآورنده (ها): غلامپور، محمد رضا؛ مشار موحد، مهسا

فقه و اصول :: نشریه فقه و تاریخ تمدن :: پاییز ۱۳۹۱، سال نهم - شماره ۳ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات : از ۱۳۰ تا ۱۵۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1100403>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مهندسی ژنتیک از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه
- بررسی حکم تکلیفی شبیه‌سازی انسان
- شبیه‌سازی انسانی؛ از پیامدهای اخلاقی تا سیاست کیفری
- جغرافیای سیاسی اسرائیل
- اخلاق در اسارت ژن ها: بررسی نظریات ریچارد داوکینز در مورد...
- تبیین پذیری رویکرد سیاست خارجی انقلاب اسلامی در پارادایم های اصلی روابط بین الملل
- ژن درمانی و اخلاق پزشکی
- نادیده گرفتن رازهای ژنتیکی
- آزمایش های ژنتیک و تبعیض
- بررسی تأثیر قاعده ی لاضرر در انحلال کانون خانواده (فسخ - طلاق - موت فرضی)
- نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث
- مبنای مسئولیت مدنی ناشی از محصولات غذایی اصلاح‌شده ژنتیکی (تراریخته) (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی)

عناوین مشابه

- تحلیلی بر ماهیت حقوقی «مهر المسمی» و آثار آن در فقه امامیه و حقوق ایران
- اسقاط آثار اعمال حقوقی در قالب شرط نتیجه منفی در فقه امامیه و حقوق ایران
- بررسی آثار حقوقی تبلیغات در معامله با رویکردی به فقه و حقوق ایران
- وضعیت آثار مالی طلاق در شرایط ابتلای زوج به بیماری مشرف به موت در فقه امامیه و حقوق ایران
- قبض و تسلیم در عقود و آثار آن در فقه و حقوق ایران
- تحلیل و واکاوی قلمرو و آثار معاملات غرری در فقه اسلامی و حقوق ایران
- آثار مالی و غیرمالی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق جمهوری اسلامی ایران
- مبنای رویکرد حقوقی متن باز در اسناد بین المللی حقوق بشر و ارزیابی قابلیت استناد به آنها در فقه امامیه و حقوق ایران
- شرایط و آثار انتقال قرارداد اجاره به مستأجر جدید در فقه و حقوق ایران
- بررسی وضعیت حقوقی شرط تأخیر در انتقال مالکیت مبیع در فقه و حقوق ایران

دکتر محمدرضا غلامپور^۱

مدرّس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

مهسا مشار موحد^۲

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

آثار حقوقی شبیه‌سازی در فقه و حقوق ایران

چکیده

تولید انسان جدای از روش معمول تولیدمثل و پیدا کردن راهی جهت طولانی ساختن عمر، از جمله آرزوهایی به شمار می‌رود که بشر به دنبال تحقق آن است. شبیه‌سازی یا کلونینگ، از روش‌های نو پیدا در عالم پزشکی و نیز یکی از روش‌های نوین درمان ناباروری است که بر خلاف تولیدمثل طبیعی، تولید موجود زنده بدون انجام عمل لقاح و حاصل ترکیب یک سلول جسمی و یک سلول جنسی می‌باشد که تنها صاحب هسته سلول پیکری، در ویژگی‌های جنین نقش دارد.

این پدیده از یک طرف می‌تواند منجر به افزایش دانش درباره رشد و نمو جنین انسان، عملکرد ژن، استفاده از سلول بنیادی بند ناف نوزاد جهت پیوند اعضا و در نهایت منجر به درمان بسیاری از بیماری‌ها گردد؛ از سوی دیگر منجر به انهدام جنین‌های کلون‌شده انسانی گشته، هم‌چنین عواقب جبران‌ناپذیری مانند

^۱Notary39mashhad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۸

^۲Mahsa.moshar@gmail.com

نقض کرامت انسانی و خدشه‌دار کردن نهاد خانواده و نسب فرد در جامعه را به دنبال داشته باشد. با این حال، نظری قاطع در مورد جواز یا حرمت آن توسط فقها بیان نشده است. در این نوشتار سعی گردیده تا حدودی جنبه‌های حقوقی فرد شبیه‌سازی شده در حقوق ایران، مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به مباحث قید شده درباره شبیه‌سازی، اگرچه میان فقها اتفاق‌نظری وجود ندارد، اما می‌توان جواز این عمل را در صورت آسیب نرسیدن به جامعه صادر کرد و هم‌چنین نسب طفل را مشروع دانست.

واژگان کلیدی:

حقوق شبیه‌سازی، شبیه‌سازی مولد، شبیه‌سازی درمانی، نسب، توارث، اهلیت،

حضانة



مقدمه

تولیدمثل، به جریانی گفته می‌شود که طی آن اسپرم، داخل تخمک نفوذ می‌کند و پس از طی مراحل، تبدیل به جنین و در نهایت منجر به تولید نسل می‌گردد که به دو نوع جنسی و غیرجنسی تقسیم می‌شود. در تولیدمثل جنسی، گامت زن و مرد با یکدیگر ترکیب می‌شود و در نتیجه سلول تخم به وجود می‌آید؛ اما در تولیدمثل غیرجنسی یا همان شبیه‌سازی، هسته تخمک نابارور جاندار را تخلیه و هسته سلول پیکری (غیرجنسی یا جسمی) جاندار دیگری را به درون آن تزریق کرده و با ایجاد یک شوک، باعث ترکیب آنها می‌شود و در نهایت نوزادی که شبیه فرد دهنده سلول مذکور است، حاصل می‌شود.

انتشار خبر موفقیت شبیه‌سازی اولین گوسفند مشهور به نام «دالی»^۱ در سال ۱۹۹۷، جهان را وارد عرصه جدیدی کرد به گونه‌ای که موضع‌گیری‌هایی توسط ادیان و کشورها در قبال آن انجام پذیرفت. صاحب‌نظران به انواع مختلفی از شبیه‌سازی اشاره کرده‌اند که دو نوع مولد و درمانی مد نظر خواهد بود. در شبیه‌سازی مولد، هدف تولید شبیه انسان می‌باشد؛ ولی در شبیه‌سازی درمانی، مقصود به دست آوردن سلولهای بنیادی جنین و استفاده از آنها برای درمان بیماری‌ها در انسان است. در این نوشتار سعی شده است ضمن بررسی جنبه‌های حقوقی فرد شبیه‌سازی شده، روشن شود آیا این فرد از حقوقی که برای فرزندان طبیعی در نظر گرفته شده است نیز بهره‌مند خواهد شد؟

شناسایی شبیه‌سازی

شبیه‌سازی یا کلونینگ و کلون‌سازی، یکی از علوم جدید عصر حاضر است که موجب گردیده تا بیشتر کشورهای دنیا در قبال آن واکنش نشان دهند. در این گفتار ضمن آشنایی با پیشینه شبیه‌سازی به بیان دیدگاه‌های ادیان و فقهای امامیه و عامه خواهیم پرداخت:

^۱.Dolly

الف- پیشینه شبیه‌سازی

در طبیعت و برخی گیاهان مانند مخمرها، کلون‌سازی به طور طبیعی انجام می‌شود. هم‌چنین تعدادی از حیوانات نظیر حلزون‌ها و میگوها نیز از این طریق، تولیدمثل می‌نمایند (صارمی، ۱۳۸۲: ۲).

تاریخچه شبیه‌سازی، به دهه سوم از قرن بیستم میلادی باز می‌گردد. این امر ابتدا در سال ۱۹۵۲ م، بر روی قورباغه و سپس حشرات و ماهی‌ها تجربه شد اما به موفقیت نینجامید؛ تا این‌که در سال ۱۹۹۷ م، این فرآیند بر روی گوسفند مشهور به نام «دالی»، توسط «پروفیسور ویلموت»^۱ در مؤسسه روزلین اسکاتلند انجام شد (مهاجری، ۱۳۸۱: ۱-۲). گفته شده دالی هنگام تولد دارای پنج پا بوده است که پای پنجم او از سرش آویخته شده بود (اسلامی، ۱۳۸۶: ۴۸۱). در سال ۲۰۰۲ میلادی، خبر موفقیت شبیه‌سازی بر روی انسان که «ایو»^۲ نامیده شد، توسط «بریتیت بویسلیر»^۳، منتشر گردید.

شبیه‌سازی در ایران نیز یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های علمی است. در سال ۱۳۸۵، با تولد «رویانا»، اولین گوسفند شبیه‌سازی شده، ایران نیز به جمع کشورهای کانادا، آمریکا، انگلیس، استرالیا، نیوزیلند، چین، کره، ژاپن و ایتالیا که پژوهشگران آنها موفق به شبیه‌سازی حیوانات شده بودند، پیوست که افتخار بزرگی برای این سرزمین، محسوب می‌شود. هم‌چنین در سال ۱۳۸۸، بزغاله‌ای به نام «حنا» شبیه‌سازی شد که مزیت این حیوان، توانمندی در تولید داروهای نو ترکیب حاوی ژن tpa مورد استفاده در درمان سکتة قلبی است. پس از آن در همان سال «شنگول»، «منگول» و «حبه انگور» اولین حیوانات تراریخته^۴ را بازآفرینی کردند.

در سال ۲۰۰۳ م، کنوانسیون بین‌المللی منع شبیه‌سازی انسانی، تدوین شده از سوی سازمان ملل در کمیته حقوقی آن بررسی گردید. بیش از ۶ کشور از جمله آمریکا، خواستار منع مطلق شبیه‌سازی انسان در سراسر جهان شدند. بلژیک با حمایت ۲۰

^۱ Ian Wilmut

^۲ «Eve» به معنی حوا در فارسی

^۳ Brigitte Boisselier

^۴ حیواناتی که با استفاده از شیر تولیدی آن می‌توان به تولید داروهایی که برای بیماران سکتة قلبی و هموفیلی، مناسب است، کمک کرد.

کشور دیگر، تنها خواستار منع شبیه‌سازی مولد بودند؛ ایشان اعتقاد داشتند که باید تصمیم‌گیری در مورد شبیه‌سازی درمانی، بر عهده خود کشورها گذاشته شود. پیشنهاد ایران به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی، مبنی بر عقب افتادن این تصمیم‌گیری به مدت ۲ سال، باعث شد تا این امر ۵ سال به تعویق افتد (اسلامی، شبیه‌سازی در آیین کاتولیک، ۱۳۸۴: ۶۴).

ب- عقیده علمای دینی

به دنبال انتشار خبر موفقیت شبیه‌سازی، بسیاری از محققان و مقامات سیاسی و مذهبی دنیا، همانندسازی انسان را عملی ناپسند دانستند و حتی برخی کشورها آن را ممنوع اعلام کردند. از نظر برخی علمای دین بودا، کودکان متولد شده از راه شبیه‌سازی با کودکان طبیعی تفاوت نداشته و افراد می‌توانند به شیوه‌های متفاوت جدای از مقاربت جنسی، به تولیدمثل روی آورند. از این رو شبیه‌سازی یکی از شیوه‌های جایگزین تولیدمثل آدمی تلقی شده و در اصل تداوم‌دهنده سایر شیوه‌ها است (ساعد، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

اما برخی دیگر بر این اعتقادند که تحقیقات بر روی زیگوت (جنین) که هنوز به چهار ماهگی نرسیده ممکن و قابل قبول است و پس از این مرحله به این دلیل که روح در آدمی دمیده می‌شود؛ انجام هر نوع تحقیق بر روی انسان مجاز نخواهد بود. از نظر علمای هندوئیسم، روح از همان ابتدای نطفه در آدمی دمیده می‌شود و در نتیجه دارای ارزش است؛ بنابراین انجام شبیه‌سازی بر روی انسان جایز نمی‌باشد. این فرقه هیچ‌کدام از شبیه‌سازی درمانی و شبیه‌سازی انسانی را جایز ندانسته‌اند. یهودیان نیز مانند پروتستان‌ها، بهره‌برداری از این امر را جهت کمک به زوجین نابارور، منع نمی‌کنند؛ با این شرط که افراد متعهد شوند کرامت انسانی را نقض نکنند و مراقب خطاهای احتمالی باشند (صادقی، ۱۳۸۸: ۷۵).

ایشان شبیه‌سازی بر روی حیوان و گیاه را جهت کسب تجارب و محصولات مورد نیاز جایز می‌دانند. البته برخی از خاخام‌های یهودی، نظر بر جواز شبیه‌سازی انسان دارند و دلایلی را از جمله تقلید از خداوند در شبیه‌سازی آدم و حوا، استفاده از شبیه‌سازی به عنوان روش درمان برای زوجین نابارور و عدم تصریح قوانین یهود به الزام روش تولیدمثل جنسی را بیان داشته‌اند (حاجی‌علی، معینی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۴).

آیین مسیح نیز خواستار منع شبیه‌سازی و انجام پژوهش‌ها در این زمینه که با هدف تولید و تخریب رویان می‌باشد، هستند (رستمی، ۱۳۸۷: ۶۴ - ۷۲).

صاحب‌نظران مسلمان، همانندسازی را یک پیشرفت علمی دانسته و اعتقاد دارند که از جهت کلامی، هیچ خللی در اعتقاد به صفت خالق بودن خدا، وارد نمی‌سازد؛ زیرا پروردگار آفریننده هستی، جهان را بر اساس نظام اسباب و مسببات، بنا نهاده‌است. همانندسازی نیز سبب است و نتیجه آن با اراده و مشیت الهی حاصل می‌شود؛ کسی که عمل همانندسازی را انجام می‌دهد، خالق فرد کلون شده نیست.

از نظر حکم شرعی، بسیاری از علمای امامیه و عامه، شبیه‌سازی درمانی و پژوهشی را بی‌اشکال می‌دانند؛ اما عمل همانندسازی تولیدی را بیشتر علمای عامه، خلاف شرع اعلام کرده‌اند. عمده علمای امامیه، شبیه‌سازی حیوانی و نباتی را مجاز دانسته و به استناد اصل اباحه، آن را مباح اعلام کرده‌اند؛ ولی در مورد شبیه‌سازی تولیدی، اتفاق نظر ندارند. برخی آن را به دلیل استناد به حدیث «هر چیزی بر تو حلال است تا این که یقین به حرمت آن پیدا نمایی که باید آن را ترک کنی»^۱ مجاز اعلام کرده‌اند (صادقی، ۱۳۸۸: ۷۶) و معتقدند تا زمانی که نص صریحی مبنی بر حرمت این عمل جاری نشود، آن را باید جایز دانست؛ از جمله آیت‌الله موسوی‌بجنوردی، آیت‌الله محمد هادی معرفت، آیت‌الله سیستانی. برخی دیگر مانند آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله صافی گلپایگانی نظر بر جواز محدود آن دارند و انجام آن را در سطح گسترده جایز نمی‌دانند. عده‌ای نیز نفس شبیه‌سازی را منع نساخته‌اند اما به دلیل مفسدگی که امکان دارد بر جامعه وارد آید، آن را ممنوع اعلام کرده‌اند؛ از جمله آیت‌الله مکارم‌شیرازی، آیت‌الله صانعی، آیت‌الله سید کاظم حائری در مورد شبیه‌سازی انسان این نظر را دارند که نفس این کار اگر موفقیت‌آمیز باشد و با عمل حرام دیگری همراه نگردد، جایز است. اما گروه دیگر از جمله آیت‌الله جواد تبریزی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی‌اردبیلی نیز اعتقاد دارند که خود فعل شبیه‌سازی به دلیل تغییر خلق الله و عدم مالکیت انسان بر جسم خود و دیگران، حرام است.^۲

۱. کُلُّ شَيْءٍ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ بَعِيْنَهُ فَتَدَعَهُ (وسائل، ۸۷/۱۷).

۲. جهت آگاهی بیشتر، ر.ک، اسلامی، ۱۳۸۶: ۴۷۲ - ۴۹۷.

جنبه‌های حقوقی شبیه‌سازی انسان

علم حقوق، مجموعه مقرراتی است که بر اشخاص از جهت این که در اجتماع زندگی می‌کنند، حکومت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱). در گذشته قواعد مدونی وجود نداشت بلکه در بین سکنه ایران، اعتقاداتی که مورد قبول جامعه بود؛ رعایت می‌شد. اما با تصویب قوانین مدون که اولین آن قانون حمورابی است و سپس با به روز شدن روابط مردم، نیاز به تدوین قوانین جدید در جامعه، احساس شد. با توجه به این مسأله که در ایران قانونی در مورد شبیه‌سازی تصویب نشده است، بنا به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی باید با استناد به فتاوی معتبر فقهی، موضوع را حل و فصل نماید.

در این گفتار به بیان احکام خاص شبیه‌سازی از جمله نسب و آثار آن خواهیم پرداخت:

الف- قرارداد شبیه‌سازی

قرارداد، در لغت به معنی عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸۹۰). برخی آن را اتفاق نظر دو یا چند شخص در امری می‌دانند. با این وجود می‌توان قرارداد شبیه‌سازی را اراده دو یا چند نفر مبنی بر تولید مثل از این طریق، دانست. به این ترتیب طرفین قرارداد شبیه‌سازی را می‌توان پزشک، دهنده سلول جسمی (شخص متقاضی) و اهداکننده رحم یا سلول جنسی، در صورت عدم قدرت باروری شخص متقاضی دانست. در صورت تولد طفل، شخص متقاضی موظف است تمامی آثار نسب از جمله حضانت و ولایت طفل را به عهده گیرد؛ به این دلیل که عمل شبیه‌سازی به خواست و اراده او انجام می‌پذیرد. بنابراین از آثار قرارداد مذکور این است که طرفین قرارداد تا زمانی که فسخ صورت نگیرد، ملزم به رعایت مفاد ذکر شده در قرارداد می‌باشند. گمان می‌رود قرارداد مذکور، به عقد جعاله نزدیک‌تر است؛ زیرا طرفین قادر خواهند بود به خواسته مشخص شده خود در قرارداد برسند. به عنوان نمونه پزشک موظف است در برابر حق الزحمه معین، هسته تخمک اخذ شده‌ای را که ممکن است از شخص دیگری دریافت شده باشد خارج کرده و هسته سلول جسمی را در آن قرار داده و در نتیجه تخمک بارور شده را در رحم جانشین یا شخص متقاضی قرار دهد. هم‌چنین باید تذکرات لازم برای نگهداری از جنین را به صاحب رحم داده و در وقت مقرر طفل متولد شده را تحویل فرد متقاضی دهد. در مقابل آن فرد متقاضی علاوه بر پرداخت دستمزد پزشک مکلف است که حضانت طفل را نیز عهده‌دار

شود. هم‌چنین با توجه به ماده ۲۲۰ ق.م.ا ضروری است پزشک، به کلیه تعهداتی که عرف و قانون بر عهده او قرار داده است واقف بوده و آنها را به درستی انجام دهد تا از مسؤولیت مبری گردد؛ زیرا در صورتی که وی احتیاطات لازم را انجام نداده و وجود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین این دو عامل اثبات گردد، تقصیر متوجه شخص پزشک بوده در نتیجه موظف به جبران خسارت خواهد بود.

قرارداد شبیه‌سازی یک عقد معوض است زیرا در قبال انجام هر عملی نیاز به پرداخت اجرت دارد. دوم این‌که از عقود لازم است که به راحتی قابل برهم زدن نمی‌باشد مگر در صورتی که دلیل موجهی ذکر گردد؛ زیرا با توجه به ماده ۱۸۵ ق.م.ا «عقد لازم عقدی است که به راحتی قابل برهم زدن نخواهد بود» و با استناد به ماده ۲۱۹ ق.م.ا «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر این‌که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود» اصل بر لزوم هر قراردادی است مگر جواز آن ذکر گردد. سوم این‌که توافق مذکور از جمله عقود تملیکی است؛ زیرا اثر مستقیم آن تملیک می‌باشد و طرفین ملزم به اجرای تعهدات ذکر شده در قرارداد فی‌مابین می‌باشند. هم‌چنین بنا بر ماده ۱۰ قانون مدنی که اصل آزادی اراده در قرارداد را بیان می‌کند، می‌توان هر نوع شرطی را قید کرده مگر مخالف صریح نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

ب- نسب

در اسلام، خانواده از جایگاه والایی برخوردار است به گونه‌ای که نکاح، دارای اهمیت بوده و فرزند متولد شده دارای نسب مشروع می‌باشد. با این حال تعریف روشنی از نسب در فصل هشتم قانون مدنی، ارایه نشده است، هم‌چنین اتفاق نظری میان فقها و حقوق‌دانان وجود ندارد. نسب، در زبان فارسی به معنی نژاد است (معین، ۱۳۷۵: زیرواژه).

۱. ماده ۲۲۰ ق.م.ا عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند (منصور، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

در حقوق این‌گونه آمده است: "قربان و خویشاوندی است و امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو که یکی پدر و دیگری مادر می‌باشد، موجود می‌گردد" (امامی، ۱۳۵۴: ۱۵۱). در تعریف دیگری که با روح قانون سازگارتر می‌باشد، بیان شده نسب عرفاً و لغتاً رابطه‌ای است که از پیدایش یک انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود" (شهیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۴). با توجه به تعاریف ارائه شده باید گفت یکی از مسائلی که در جامعه با آن روبه رو هستیم، تشخیص نسب فرد شبیه‌سازی شده است که بین فقها اتفاق نظری درباره آن وجود ندارد؛ به نحوی که برخی نسب این افراد را مشروع دانسته و برخی آن را نامشروع گفته و عده‌ای نیز نسب این شخص را به سان فرزندان ناشی از نزدیکی به شبیه، دانسته‌اند.

با این وجود، بیشتر فقها که نسب طفل را مشروع اعلام کرده‌اند، آن را منوط به داشتن شرایطی دانسته‌اند از جمله: ۱- نکاح بین زوجین، ۲- وقوع نزدیکی بین زوجین که منظور آمیزش طبیعی نبوده بلکه آنچه مهم است ترکیب نطفه زن و مرد است ۳- انعقاد نطفه در زمان زوجیت که در مواد ۸۷۵، ۱۱۵۸ ق.م.ا اشاره شده است.

برخی از فقها مانند آیت‌الله مکارم شیرازی به جهت فقدان لقاح، قائل به عدم نسب هستند. بنابراین طفل نه پدری دارد (چون از نطفه او نیست) و نه مادری دارد (چون ترکیب با نطفه مادر نیست) نه خواهری دارد و نه برادری و نه منتسب به فامیل است؛ و در رحمی پرورش یافته است که مادر جانشین است (علیان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ۸۵-۸۶).

برخی از فقها معتقد به نسب مشروع بین طفل و والدین متقاضی خود هستند (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۲۲، موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). آیت‌الله موسوی بجنوردی در مورد نسب این اطفال می‌فرمایند: امکان دارد بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات: «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم»^۳ این‌گونه بیان شود که شبیه‌سازی خلاف آفرینش و اراده

۱. ماده ۸۷۵: ... اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد (منصور، ۱۳۸۵: ۲۵۸).

۲. ماده ۱۱۵۸: طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر این‌که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. (همو، همان: ۳۱۵).

۳. «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى...»

الهی است، زیرا در آیه‌های قرآن تنها به ترکیب اسپرم و تخمک اشاره شده است؛ اما باید گفت ممکن است مرد و زن به نحو دیگری در آفرینش انسان دخالت داشته باشند. در شبیه‌سازی درست است که جنس مخالف در تولید جنین دخالت ندارد و بنا بر فرض، سلول جسمی و جنسی را از زن گرفته و سپس در رحم او کشت می‌شود، اما این کار فی نفسه اشکال ندارد؛ زیرا زوجین بر این مورد با یکدیگر توافق داشته‌اند و آیه مزبور نیز فقط به روش معمول خلقت از زن و مرد اشاره کرده است. به عبارتی می‌توان گفت این جنین به هر نحو که ایجاد شود، باز هم مخلوق خداوند است، همان‌گونه که حضرت مسیح پدر نداشتند در این مورد نیز شوهر زن، پدر تلقی خواهد شد (موسوی بجنوردی، روزنامه همشهری، ۱۳۸۱).

از دیگر افرادی که معتقد به این نسب هستند می‌توان به مرتضی مطهری، ابوالقاسم گرجی اشاره کرد (سالاری، ۱۳۸۱: ۹۶ - ۱۰۴).

عده‌ای دیگر برای این افراد قائل به نسب شده ولی آنها را در حکم ولد به شبهه دانسته‌اند. شبهه، به معنای تصور بر خلاف حقیقت و به عبارتی ناشی از اشتباه است. نزدیکی به شبهه در صورتی است که مرد با زنی به تصور این‌که بین آنها رابطه زوجیت بوده است، نزدیکی کند؛ در حالی که چنین رابطه‌ای بین آنها وجود نداشته است که این عمل را وطی به شبهه نیز گویند و اگر فرزندی از آن به دنیا آید «ولد شبهه» گفته می‌شود و نسب او نسب ناشی از شبهه است (صفایی و امامی، ۱۳۷۶: ۸۹).

در مواد ۱۱۶۵^۱ و ۱۱۶۶^۲ ق.م. نسب این طفل را مشروع دانسته و ولد را به کسی ملحق می‌داند که هنگام نزدیکی در اشتباه بوده است، مشروط بر این‌که مرتکب، دارای حسن نیت باشد تا سبب مشروع دانستن طفل گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸).

برخی فقها از جمله آیت‌الله بهجت و آیت‌الله معرفت شبیه‌سازی را مشروع دانسته‌اند، اما فرزند ناشی از آن را مانند ولد به شبهه دانسته‌اند. آیت‌الله بهجت در پاسخ به این سؤال آیا دختر باکره‌ای که از طریق عمل شبیه‌سازی صاحب فرزند شود و فرزندی از

۱. ماده ۱۱۶۵: طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده‌اند ملحق به هر دو خواهد بود (منصور، ۱۳۸۵: ۳۱۶).

۲. ماده ۱۱۶۶: هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابویین طفل باطل باشد نسبت طفل به هر یک از ابویین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود (همو، همان: ۳۱۷).

سلول خود به دنیا آورد مشروع است یا خیر؟ فرموده‌اند که آن فرزند ولد به شبهه است
(www.hawzeh.net؛ پورقهرمان گل‌تپه، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

طرفداران نظریه نسب نامشروع، دلیل موجهی بیان نکرده و طفل متولد شده از شبیه‌سازی را با زنا قیاس کرده‌اند. به نظر نگارنده این قیاس صحیح نمی‌باشد؛ زیرا زنا رابطه نامشروع بین زن و مرد بوده و در نتیجه آن طفلی متولد می‌گردد. در صورتی که در شبیه‌سازی، مقاربتی وجود ندارد بلکه طفل، حاصل استفاده از سلول جسمی می‌باشد و انعقاد نطفه تنها ناشی از ترکیب سلول جسمی و سلول جنسی است. بهتر است نسب طفل شبیه‌سازی شده را نیز همانند نسب ناشی از تلقیح مصنوعی یا رحم جایگزین، مشروع بدانیم. زیرا با توجه به ماده ۱۱۶۷ ق.م. «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» می‌توان بیان داشت که هر فرزند به پدر و مادر طبیعی خود ملحق است، مگر قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد؛ قانون تنها در مورد زنا این حکم را استثنا کرده و طفل را ملحق به زانی ندانسته است. بنابراین مناسب است همانند دیگر احکام نوین پزشکی جهت حمایت از اطفال شبیه‌سازی شده و عدم بهره‌برداری نامشروع از آنها، نسب را مشروع محسوب نماییم.^۱

در مورد نسب مادری کودکان ناشی از دیگر علوم پزشکی نظیر تلقیح مصنوعی، سه قول وجود دارد؛ برخی طفل را ملحق به صاحب تخمک می‌دانند، برخی معتقدند که شخص باید هم صاحب رحم و هم صاحب تخمک باشد و عده‌ای زاییدن را تنها ملاک دانسته‌اند. اما با توجه به پیشرفت علم پزشکی و ایجاد روش رحم جایگزین، وجدان به راحتی این را قبول نخواهد کرد که صاحب رحم را مادر بدانیم. هم‌چنین در مورد به دنیا آوردن طفل نیز باید گفت که ممکن است زوجه از طرق دیگر صاحب فرزند گردد؛ بنابراین نمی‌توان به راحتی ملاک زاییدن و صاحب رحم بودن را پذیرفت. پس در مورد فرد شبیه‌سازی شده باید گفت که مادر یا پدر بر کسی اطلاق می‌گردد که سلول پیکری از او اخذ و نطفه این کودک، منعقد شده است (اسلامی، ۱۳۸۶: ۵۱۹ - ۵۲۰ به نقل از آیت‌الله مکارم شیرازی).

^۱ اصل ۱۶۷: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد (منصور، ۱۳۸۵: ۸۸).

در مورد نسب پدری این کودکان، در فرضی که زوجه با رضایت شوهر اقدام به کلون‌سازی کرده باشد، طبق اماره فراش، الحاق طفل به زوج قابل تصور است. هم‌چنین در فرضی که سلول جنسی از زوجه و سلول جسمی از زوج اخذ شده باشد، باز هم لفظ پدر بر این مرد بار خواهد شد. اماره فراش که در لغت به معنی «بستر» آمده و در اصطلاح کنایه از شوهر قانونی و شرعی است که حق استمتاع نسبت به همسر خود را دارد (البجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۴/۴).

نیز در اصطلاح حقوقی عبارت است از «طفلی که از زن شوهردار به دنیا آمده، فرزند شوهر فرض می‌شود و ملحق به اوست» (صفایی، ۱۳۸۲: ۴۸). این قاعده (اماره فراش) از حدیث معروف «الولد للفراش للعاهر الحجر»^۱ گرفته شده که در مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹^۲ ق.م. اشاره شده و جزو قواعد امری جامعه است که توافق بر خلاف آن اثر نخواهد داشت.

ج- آثار نسب

بنا بر مواد ۸۵۱^۳ و ۸۷۵ ق.م. طفل زمانی داری شخصیت خواهد بود که زنده متولد شود ولو برای لحظه‌ای زنده بماند. برای شبیه نیز از همان بدو لانه‌گزینی هسته فعال در تخمک منفعل و انتقال آن به رحم، قائل به شخصیت هستیم؛ زیرا در صورتی می‌توان از جنین حمایت کرد و آثار حقوقی را در مورد او اجرا کرد که دارای شخصیت و ماهیت معین باشد. در این مبحث با فرض مشروعیت شبیه‌سازی انسان و رفع نسب قانونی طفل، با تکیه بر حقوق مدنی و فقه، هم‌چنین با فرض پذیرش این‌که صاحب سلول جسمی، حکم پدر یا مادر طفل را خواهد داشت؛ به بیان احکام حقوقی حاکم بر

۱. فرزند متعلق به زانی است و برای زانی حقی نیست (کلینی، الکافی، ۱۳۷۷: ۴۹۲/۵).

۲. ماده ۱۱۵۹: هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر این‌که مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از دو ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد (منصور، ۱۳۸۵: ۳۱۷).

۳. ماده ۸۵۱: وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر این‌که زنده متولد شود (همو، همان،

نسب، شامل حرمت نکاح، حضانت طفل، ولایت قهری، الزام به انفاق، وصیت و توارث خواهیم پرداخت:

۱- حرمت نکاح

از معمول‌ترین و رایج‌ترین آثار فقهی مربوط به نسب، بحث نکاح است که تفاوتی بین نسب مشروع یا نامشروع وجود ندارد. ماده ۱۰۴۵ ق.م. حرمت نکاح با اقارب نسبی را این‌گونه بیان کرده است: «نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد: ۱- نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود. ۲- نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود. ۳- نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود. ۴- نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات». با زنده متولد شدن طفل، آثار نکاح از جمله حرمت نکاح در مورد او قابلیت اجرا خواهد داشت. بنابراین در صورتی که طفل را مشروع بدانیم با توجه به این ماده، باید حرمت نکاح با صاحب سلول جسمی یا جنسی را در مورد وی قابل اجرا دانست. در فرض نامشروع بودن نسب طفل، با استناد به رأی وحدت رویه دیوان به شماره ۱۳۷۶/۴/۳/۶۱۷^۱ در مورد فرزندان ناشی از زنا که زانی را مکلف به گرفتن شناسنامه کرده است، می‌توان گفت حرمت نکاح میان طفل و زانی، هم‌چنین در فرض شبیه‌سازی میان طفل و صاحب سلول جسمی نیز وجود دارد.

۲- حضانت

نگاه داشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است؛ با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک شناخته شده است (صفایی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). حضانت در لغت پروردن است و در اصطلاح مدنی، پرورش اطفال توسط ابوین و اقارب او می‌باشد

^۱ به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵، یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۱۶ و ماده ۱۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا این‌که ابوین طفل نامعلوم باشد، تعیین تکلیف کرده است، لیکن در مواردی که طفلی ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید، با استفاده از عمو مات و اطلاق مواد یاد شده، زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ ق.م. صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است.

(جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۶۶۷). حضانت تنها شامل حمایت جسمی از کودک نمی‌باشد و باید از جنبه معنوی و اخلاقی نیز به آن توجه داشت. بنابراین در صورتی که طفل را ناشی از نسب مشروع یا نزدیکی به شبهه بدانیم، بنا به ماده ۱۱۷۲ ق.م.ا شخص دهنده سلول پیکری مکلف به حضانت از طفل می‌باشد. هم‌چنین در صورتی که میان وی و شخص دهنده سلول جنسی، رابطه زوجیت برقرار باشد و صلاحیت نگهداری از فرزند خود را دارا باشند، با استناد به ماده ۱۱۰۴ ق.م. حضانت با ایشان بوده و در صورت انحلال نکاح، حضانت چه در دختر و چه در پسر تا سن هفت سالگی، با مادر خواهد بود.

۳- ولایت

ولایت در لغت به معنی حکومت کردن، تسلط پیدا کردن، دوست داشتن، یاری دادن، دست یافتن و تصرف کردن آمده است (دهخدا، زیرواژه). قهری در لغت به معنی جبری و اضطراری است (معین، زیرواژه).

در اصطلاح حقوقی یعنی سلطه و اختیاری که قانون به جهتی از جهات به شخصی در رابطه با انجام امور مربوط به غیر می‌دهد. به شخصی که این سمت را دارد «ولی» و به ولایتی که به حکم قانون اعطا شده است، «ولایت قهری» گویند. با این حال در مورد طفل شبیه‌سازی شده، در وهله اول ولایت با صاحب سلول جسمی و در صورت فوت وی با زوج یا زوجه و یا جد پدری است.

۴- الزام به انفاق

نفقة در لغت به معنی هزینه، خرج و خرجی و آنچه هزینه عیال و اولاد کنند، روزی و مایحتاج معاش آمده است (معین، زیرواژه).

معنی اصطلاحی نفقه عبارت است از چیزی که برای گذران زندگی، لازم و مورد نیاز

است (صفایی و امامی، ۱۳۷۶: ۱۹۱).

۱. ماده ۱۱۷۲- هیچ‌یک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگاهداری او امتناع کند در صورت امتناع یکی از ابوبین حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگاهداری طفل را به هر یک از ابوبین که حضانت به عهده اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند (منصور، ۱۳۸۵، ۳۱۷).

نفقه دهنده را منفق و نفقه گیرنده را منفق علیه می‌گویند. مصادیق نفقه در ماده ۱۲۰۴ ق.م.ا اشاره شده است که این مصادیق تمثیلی است نه حصری و می‌توان مصادیق دیگر را به آن اضافه کرد؛ ولی مقدار آن در قانون بیان نشده است بلکه موکول به درجه استطاعت منفق و به قدر رفع حاجت انفاق شونده، نموده است. هم‌چنین شوون و وضعیت واجب‌النفقه نیز در این وضعیت باید رعایت شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

بنابراین در مورد بحث ما یعنی طفل کلون‌شده نفقه با ولی او (صاحب سلول جسمی) می‌باشد و در صورت عدم استطاعت در ماده ۱۱۹۹ ق.م.ا «نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب، در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب، به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقه است و اگرچند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه متساوی تأدیه کنند». با این وجود در صورت فوت یا عدم استطاعت ولی، نفقه با اجداد بوده و در مرحله آخر در صورتی که فرد دهنده سلول ازدواج کرده است، نفقه با زوج یا زوجه خواهد بود.

۵- توارث

ارث یعنی آنچه از مال مرده به وارث رسد، ترکه، بازمانده (دهخدا، زیرواژه). در اصطلاح، حقی است که از میت حقیقی یا حکمی به زنده حقیقی یا حکمی، در ابتدا منتقل می‌گردد. قانون مدنی در ماده ۸۶۷ آورده است: «ارث بموت حقیقی یابه موت فرضی مورث تحقق پیدا می‌کند». ارث در اصطلاح حقوقی عبارت است از انتقال قهری دارایی متوفی به ورثه او (امامی، ۱۳۵۴: ۱۶۹).

هم‌چنین در ماده ۸۶۱ ق.م.ا نسب را به طور مطلق شرط وراثت دانسته و ولدالزنا را از این امر استثنا کرده است (ماده ۸۸۴ ق.م.ا). علاوه بر مورد مذکور شرایط دیگری نیز باید محرز باشد از جمله: ۱- موت مورث، ۲- وجود وارث که در ماده ۹۵۷ قانون مدنی

۱. ماده ۱۲۰۴: نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن

اشاره شده است: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این‌که زنده متولد شود.»^۳ وجود ترکیه برای متوفی.

در مورد کودکان شبیه‌سازی شده در فرضی که نسب طفل شبیه‌سازی شده را مشروع بدانیم، طبیعتاً احکام ارث نیز بر او بار خواهد شد و او هم مانند سایر فرزندان ارث می‌برد، مشروط بر این‌که در زمان موت، مورث زنده باشد و یا نطفه او منعقد شده باشد؛ اما در صورتی که جنین مرده متولد شود، چنان‌که در ماده ۸۷۵ ق.م. ذکر گردیده است، ارث به او نخواهد رسید. بنابراین این‌گونه گمان می‌رود در صورتی که با استفاده از ابزار پزشکی، سلول‌های جنسی و جسمی امتزاج یافته و پیش از انتقال به رحم زن، یک نفر از والدین فوت نمایند، مشمول مقررات ارث نخواهد بود. البته در فرض داشتن نیاز به شخص اهداکننده، در صورتی که رابطه زوجیت میان ایشان برقرار باشد، بالطبع کودک از آنها و برعکس ارث خواهد برد. اما در فرضی که رابطه زوجیت برقرار نباشد، تنها لفظ اهداکننده بر آنها صدق خواهد کرد و رابطه وراثتی میان آنان برقرار نخواهد بود.

۶- وصیت

بنابر نظر فقها و طبق ماده ۸۵۱ ق.م. حمل از لحظه انعقاد نطفه از حقوق مدنی متمتع می‌گردد، مشروط بر این‌که زنده متولد شود. هم‌چنین با استناد به ماده ۸۵۲ ق.م. «اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود موصی‌به، به ورثه او می‌رسد مگر این‌که جرم مانع از ارث باشد» می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت در صورتی که وارث منجر به سقط جنین شود، مالک موصی‌به نخواهد بود. این فرض را می‌توان در مورد کودکی که در آزمایشگاه تولید می‌شود (طفل شبیه‌سازی شده) نیز جاری دانست.

د- احکام خاص حقوقی

احکام خاص حقوقی دیگری که می‌توان برای طفل شبیه‌سازی‌شده در نظر گرفت، حق بر جان و تن نیز منع تجارت او است. عده‌ای هدف اصلی از شبیه‌سازی را تجارت دانسته و طفل متولد شده را برده‌ای بدون حقوق خاص مانند حق زندگی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که می‌توان با استفاده از اعضا و جوارح او جان انسان‌های دیگر را از خطر مرگ نجات داد؛ در حالی که این امر از نظر اسلام و برخی کشورها، مورد پذیرش نیست.

همچنین این فرد از دیگر حقوق افراد طبیعی، از جمله نام‌خانوادگی، اهلیت، اخذ شناسنامه و نظیر آن برخوردار خواهد بود.

۱- سند ولادت: هر شخص با نام و اقامتگاه و اسناد ثبت احوال از دیگران تمییز داده می‌شود و مهم‌ترین وقایعی که باید به ثبت برسد وقایع چهارگانه ازدواج، طلاق، ولادت و فوت است که در ماده ۹۹۳ ق.م.ا^۱ اشاره شده است. شناسنامه سندی است که احوال شخصیه هر فرد آن‌گونه که در دفاتر سجل احوال ثبت می‌باشد در آن نوشته و به صاحب آن داده می‌شود (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۰۶).

وظیفه اعلام ولادت طفل الزامی است و با توجه به ماده ۱۶ قانون ثبت احوال^۲ در وهله اول با پدر یا جد پدری است و در صورتی که این اشخاص نباشند این تکلیف با مادر خواهد بود؛ مشروط بر این‌که قادر به انجام این وظیفه باشد (صفایی، ۱۳۸۲: ۱۲۱). از آنجا که شناسنامه از مهم‌ترین اسنادی است که برای هر شخصی در نظر گرفته می‌شود، بنابراین در مورد شخص شبیه‌سازی شده نیز باید صادر گردد که این وظیفه با والدین و یا کسانی که از این فرد نفع خواهند برد، می‌باشد. همچنین با توجه به ماده ۱۹ قانون ثبت احوال، پزشک یا مامایی که به انجام عمل شبیه‌سازی پرداخته‌اند، موظفند که گواهی ولادت صادر و به سازمان ثبت احوال نیز اطلاع دهند. اهمیت این اسناد از آن جهت است که برای اثبات وضعیت افراد مورد استفاده می‌باشد؛ از جمله در صورتی که از دادن نفقه طفل امتناع گردد، می‌توان با رجوع به شناسنامه، اشخاصی را که ملزم به انفاق به این کودک هستند اجبار کرد.

۲- نام خانوادگی: نام و نام‌خانوادگی، یکی از ممیزات اشخاص حقیقی است. نام شخص در اسناد سجلی باعث تمییز فرد از افراد دیگر می‌شود ولی به دلیل تشابهاتی که

^۱ ماده ۹۹۳: امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود: ۱- ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود ۲- ازدواج اعم از دائم و منقطع ۳- طلاق اعم از بان و رجعی و همچنین بذل مدت ۴- وفات هر شخص (منصور، ۱۳۸۵: ۲۸۷).

^۲ ماده ۱۶: اعلام و امضا دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به عهده اشخاص زیر خواهد بود: پدر یا جدی پدر، مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد، وصی یا قیم یا امین، اشخاصی که قانوناً عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند، متصدی یا نماینده مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است، صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد.

در مورد نام افراد در جامعه وجود دارد، از نام خانوادگی نیز استفاده می‌شود. در تبصره ماده ۴۱ قانون ثبت احوال بیان شده است که «نام خانوادگی فرزند، همان نام خانوادگی پدر خواهد بود اگرچه شناسنامه فرزند در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزندان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب نمایند». بنابراین در مورد طفل مشروعی که متولد می‌شود، نام خانوادگی پدر برای او نهاده می‌شود و در صورتی که پدر طفل معلوم نباشد، نام مادر و در صورتی که هیچ یک مشخص نباشند، اداره ثبت احوال نام خانوادگی آزاد را طبق ماده ۱۷ قانون ثبت احوال^۱ را برای طفل قید می‌نماید؛ ولی در شناسنامه طفل فرضی ذکر نخواهد شد (صفایی، ۱۳۸۲: ۸۲).

بنابراین در مورد اطفال شبیه‌سازی، با توجه به این که داشتن نام خانوادگی برای تمامی اشخاص الزامی است، در فرضی که نسب این اطفال را مشروع بدانیم؛ با استناد به تبصره ماده ۴۱ قانون ثبت احوال^۲ نام خانودگی شخص متقاضی، به طفل خواهد رسید. این فرد با رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، حق تغییر نام خانوادگی خود را با درخواست از سازمان ثبت احوال، خواهد داشت. در صورتی که پدر طفل نیز معلوم نباشد، نام خانوادگی مادر در صورت کسب اجازه از دارنده حق تقدم، به او خواهد رسید و در صورتی که هیچ یک معلوم نباشند، نام خانوادگی آزاد برای او قید خواهد شد. این حکم در صورتی که شبیه‌سازی را ناشی از شبهه بدانیم نیز جاری خواهد شد. پس به طور خلاصه می‌توان بیان داشت در صورتی که نسب طفل را مشروع بدانیم و اهداکننده سلول پیکری زن باشد، نام خانوادگی مادر برای او در نظر گرفته می‌شود و در صورتی که مرد باشد، نام خانوادگی وی را به طفل، خواهیم داد.

۳- اهلیت: اهلیت در لغت به معنی شایستگی داشتن، سزاوار بودن، لیاقت و شرافت

آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: زیرواژه).

^۱ ماده ۱۷: هرگاه ابوین طفل معلوم نباشد سند یا نام خانوادگی آزاد و نام‌های فرضی در محل اساسی ابوین تنظیم می‌گردد.

^۲ تبصره م ۴۱: نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر خواهد بود اگر چه شناسنامه فرزند در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزندان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب نمایند.

در علم حقوق اهلیت به معنای عام، توانایی و شایستگی شخص برای دارا شدن و اجرای حق است و در معنای خاص، توانایی و شایستگی شخص برای اجرای حق است که در حد کمال، با داشتن عقل، بلوغ و رشد فراهم می‌آید (صفایی، ۱۳۸۲: ۸۷).

بنابراین می‌توان گفت اهلیت تمتع، توانایی و شایستگی قانونی شخص برای دارا شدن حق بوده و اهلیت استیفا توانایی برای اجرای حق می‌باشد. در صورتی که طفل اهلیت انجام امور را نداشته باشد، به آن محجور گوئیم. در مورد فرد شبیه‌سازی شده تا زمانی که زنده متولد نشده است، او را دارای اهلیت نمی‌دانیم. بنابراین افراد کلون شده همانند سایر افراد جامعه با زنده متولد شدن خود، دارای حقوقی از جمله داشتن نام‌خانوادگی، انجام معاملات، اهلیت استیفا و تمتع می‌باشد. هر انسانی دارای اهلیت و حقوقی در جامعه است که برای عموم قابل احترام بوده و کسی حق اسقاط این حقوق را ندارد. مانند این که شخصی بگوید حق تملک خودم را از فلان خانه معین ساقط کردم؛ این شرط قابل ترتیب اثر دادن نیست چون حقوق از مواردی است که با نظم عمومی و اخلاق حسنه در ارتباط بوده و تراضی خلاف آنها قابل قبول برای قانون‌گذار نمی‌باشد. پس فرد شبیه‌سازی شده نیز از زمان انعقاد نطفه، از تمامی حقوق انسان طبیعی بهره‌مند خواهد شد و از لحظه‌ای که هسته تخمک، تخلیه شده و با هسته سلول پیکری فرد متقاضی یا دهنده تخمک، پیوند زده شود، می‌توان آن را جنین نامید. در این صورت طفل، از تمامی حقوق متمتع خواهد شد.

۴- تابعیت: تابعیت در لغت به معنی تابع بودن (دهخدا، زیرواژه)، پیروی کردن و اطاعت کردن است (معین، زیرواژه).

در قوانین ایران تعریفی از تابعیت ارایه نشده است و برخی حقوق‌دانان این‌گونه گفته‌اند: تابعیت صرفاً یک رابطه سیاسی که فرد یا چیزی را به دولتی مرتبط می‌سازد، به گونه‌ای که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۱۰۸)، یا تابعیت یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (ارغ‌نیا، ۱۳۷۰: ۴۹/۱).

فرد شبیه‌سازی شده، برای این‌که بتواند از حقوق داخلی کشورها برخوردار شود، موظف است تابعیتی را کسب نماید؛ مانند تابعیت اکتسابی^۱ که پس از تولد به واسطه اعمال حقوقی دیگر آن را به دست می‌آورد؛ مانند: ازدواج با یک فرد آمریکایی برای گرفتن تابعیت آمریکایی، یا تابعیت اصلی^۲ که همان سیستم خاک و خون است را به واسطه محل تولدش کسب نماید. در مورد طفل شبیه‌سازی شده، می‌توان هر دو تابعیت ایرانی و خارجی را قابل اجرا دانست؛ زیرا امکان دارد عمل شبیه‌سازی به وسیله افرادی که دارای تابعیت‌های مختلفی هستند، انجام شود؛ مانند این‌که سلول جنسی از فرد آمریکایی و سلول پیکری از فرد ایرانی، گرفته‌شده و در رحم زن فرانسوی قرار گرفته و در ایتالیا متولد گردد. در این فرض امکان دارد طفل را دارای چند تابعیت بدانیم که در این صورت با مشکلاتی عدیده مواجه خواهیم شد.

بنابراین در فرضی که بخواهیم تابعیت ایرانی برای طفل قائل شویم، باید پدر یا مادر این طفل ایرانی باشد. ولی در فرضی که دهنده سلول فرد خارجی بوده و در ایران متولد شده است، از آنجا که حقوق ایران طبق بند سوم ماده ۹۷۶ ق.م. «...کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند ایرانی محسوب می‌شوند»، برای اطفالی که در خاک ایران از پدر یا مادر خارجی متولد شده‌اند، تابعیت ایرانی در نظر گرفته است، مشروط بر این‌که مملکت متبوع والدین، این حقوق را برای اتباع ایرانی ساکن در خاک آن کشور نیز قائل شود که در غیر این صورت طفل خارجی محسوب می‌شود. همچنین است در فرضی که تابعیت پدر یا مادر طفل، معلوم نباشد.

نتیجه

شبیه‌سازی، از جمله علوم جدید و یکی از پیشرفت‌های مهم جوامع به شمار می‌آید. اولین مورد موفقیت‌آمیز این روش در جهان، بر روی گوسفند مشهور به نام دالی در سال ۱۹۹۷م، اتفاق افتاد و سپس توسط محققان سایر کشورها بر روی دیگر جانوران، انجام گردید. هم‌چنین در سال ۲۰۰۳ م بود که خبر شبیه‌سازی بر روی انسان، به تمام جهان مخابره شد. انتشار این خبر سرآغاز واکنش‌های متفاوت در رابطه با شبیه‌سازی انسان

^۱.Obtained nationality

^۲.Original nationality

بود تا آنجا که کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را بر آن داشت که اقدام به تصویب پاره‌ای از قوانین در این زمینه نمایند.

با بررسی فقهی شبیه‌سازی، به این نتیجه رسیدیم که در ادیان مختلف؛ از جمله بودا، انجام پاره‌ای تحقیقات بر روی انسان را بی‌اشکال دانسته‌اند زیرا تا مرحله ولوج روح، نطفه در حکم انسان نخواهد بود و بعد آن، این تحقیقات ممنوع است. هندوها نطفه را از ابتدا دارای روح دانسته و انجام هر نوع تحقیقی بر روی آن را ممنوع دانسته‌اند. یهود تحقیقات شبیه‌سازی را تا زمانی که ناقض کرامت انسانی نگردد، پذیرفته است. مسیحیت نیز معتقد بر منع شبیه‌سازی و انجام تحقیقات بر روی جنین انسان است.

در دین مبین اسلام، علمای عامه شبیه‌سازی درمانی را مجاز دانسته ولی برای شبیه‌سازی انسان، جایگاه خاصی قائل نبوده و به اتفاق، این عمل را خلاف شرع اعلام کرده‌اند. علمای امامیه شبیه‌سازی و درمانی را جایز می‌دانند ولی در مورد شبیه‌سازی انسان، اتفاق نظر ندارند، برخی قائل به جواز محدود هستند، تعدادی نیز نظر بر جواز مطلق آن دارند و عده‌ای آن را حرام محسوب کرده‌اند.

در مورد نسب طفل شبیه‌سازی شده، فقها دارای دیدگاه‌های مختلف هستند؛ گروهی به دلیل نبودن لقاح طبیعی بین زن و مرد، معتقد به نسب نامشروع هستند و حقوقی را برای این افراد قائل نیستند. تعدادی معتقد به نسب مشروع و یا نسب ناشی از نزدیکی به شبهه می‌باشند، در نتیجه به دلیل صدق عنوان تولد برای این اطفال، قائل به وجود نسب بوده و حقوق فرزندان طبیعی را جهت حمایت از این اطفال و عدم سوءاستفاده از آنها برای پیشبرد اهداف انسان، بار کرده‌اند، بنابراین در صورتی که صاحب سلول جسمی مرد باشد، پدر طفل و در صورتی که زن باشد، مادر وی محسوب خواهد شد.

با توجه به این مسایل و همچنین حساسیت موضوع، پژوهش‌هایی که با سلامت انسان و جامعه در ارتباط است، همگام با تحولات پزشکی و تأکید بر رعایت موازین شرعی و دینی در کنار موازین بین‌المللی، این بار نیز به تلاشی بزرگ در بعد اخلاقی احساس نیاز می‌شود تا حفظ آزادی پژوهش و کرامت انسانی را در برگیرد، بنابراین بهتر است برای حل معضلات و اختلاف نظر میان فقها در این زمینه، قانونی تصویب گردد تا هم بتوان به وسیله آن از طفل شبیه‌سازی شده حمایت کرد و هم محدودیت‌هایی را

جهت عدم سوءاستفاده از وی مشخص کرد؛ دیگر این‌که جهت وحدت میان کشورها در سطح بین‌المللی، بهتر است قوانین مدوتی شکل گیرد تا با استناد به آنها بتوان از اختلاف نظر کشورها در این مورد نیز پیشگیری کرد.

کتابنامه :

- * قرآن کریم.
- ۱- ارفع نیا، بهشید؛ حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات بهتاب، ج دوم، تهران، ۱۳۷۰.
 - ۲- اسلامی اردکانی، سید حسن؛ شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۶.
 - ۳- _____، _____؛ شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهار دیدگاه، مجله فقه، فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۸۴.
 - ۴- _____، _____؛ شبیه‌سازی در آیین کاتولیک، مجله فلسفه، کلام و عرفان، هفت آسمان، شماره بیست و هفتم، پاییز ۱۳۸۴.
 - ۵- امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، ج پنجم، ۱۳۵۴.
 - ۶- البجنوردی، میرزا حسن، قواعد الفقہیہ، تحقیق: مهدی مهریزی، محمد حسین درایتی، الهادی، ۱۴۱۹.
 - ۷- الحر العاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق موسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۰-۱۴۱۲ق، قم.
 - ۸- پورقهرمانی گل تپه، بابک، نگاهی به پدیده شبیه‌سازی انسان، مجله فلسفه، کلام و عرفان، رواق اندیشه، شماره سی و هفتم، ۱۳۸۳.
 - ۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ج سوم، ۱۳۸۴.

- ۱۰- حاجی علی، فریبا، معینی فر، محدثه؛ شبیه‌سازی از دیدگاه عالمان یهود، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره پنجم، ۱۳۹۰.
- ۱۱- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، برگردان: قاضی زاده، اسلامی، علی، دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا]، اسماعیلیان، قم، چ پانزدهم، بی‌تا.
- ۱۲- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۳- رستمی، ثریا؛ شبیه‌سازی انسان از دیدگاه اسلام، انتشارات نسیم کوثر، چ اول، ۱۳۸۷.
- ۱۴- ساعد، محمدجعفر؛ رویکرد اخلاقی دین بودا، هندو، یهود و مسیح در قبال شبیه‌سازی انسانی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۶.
- ۱۵- سالاری، حسن؛ شبیه‌سازی انسان، نشر حکیمان، تهران، چ اول، ۱۳۸۱.
- ۱۶- شهیدی، مهدی؛ تلقیح مصنوعی انسان، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، چ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۷- صادقی، محمود؛ همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی، درآمدی بر اخلاق زیستی (مجموعه مقالات)، مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا- انتشارات حقوقی، تهران، چ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۸- صارمی، ابوطالب؛ شبیه‌سازی (کلونینگ)، نشر خلوص، تهران، چ دوم، ۱۳۸۲.
- ۱۹- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله؛ حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، ۱۳۷۶.
- ۲۰- _____، _____، دوره مقدماتی حقوق مدنی، نشر میزان، تهران، چ دوم، ۱۳۸۲.
- ۲۱- _____، _____ و قاسم‌زاده، مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، چ دهم، ۱۳۸۰.
- ۲۲- طباطبایی، عصمت‌السادات؛ همانندسازی انسان: احکام فقهی و پیامدهای حقوقی، فصلنامه اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- ۲۳- علیان‌نژاد، ابوالقاسم؛ دیدگاه فقهی آیت الله العظمی مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راههای فرار از ربا، مجله پژوهش و حوزه، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۶.
- ۲۴- کاتوزیان، ناصر؛ دوره حقوق مدنی خانواده، دوره دو جلدی، نشر شرکت سهامی انتشار، تهران، چ اول، ۱۳۸۸.
- ۲۵- کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی- وقایع حقوقی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۶.

- ۲۶- _____ ، _____ ؛ مقدمه علم حقوق، تهران، انتشارات مدرس، تهران، چ دوازدهم، ۱۳۹۰.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۷۷ ق.
- ۲۸- لويس معلوف، المنجد؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه: احمد سیاح، نشر اسلام، چ نوزدهم، ۱۳۷۷.
- ۲۹- مدنی، سید جلال‌الدین؛ ادله اثبات دعوی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- ۳۰- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چاپخانه سپهر، تهران، چ نهم، ۱۳۷۵.
- ۳۱- منصور، جهانگیر، قانون مدنی، انتشارات آگاه، تهران، چ بیست و ششم، ۱۳۸۵.
- ۳۲- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ بشر فراهم کننده مقتضیات است، روزنامه همشهری، شماره ۲۹۶۲، یکشنبه ۲۹ دی ۱۳۸۱.
- ۳۳- _____ ، _____ ؛ حقوق خانواده: اندیشه‌های حقوقی ۱، به کوشش: احمدزاده، ابوالفضل، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چ اول، ۱۳۸۶.
- ۳۴- مهاجری، عبدالرسول؛ «گزارشی پیرامون شبیه‌سازی»، دفتر مطالعات زنان، ۱۳۸۱.

35- Dorff, R.E.N, Human Cloning: A Jewish Perspective, **Testimomoni befor the National Bioethics Adversary Commission**, March 14, 1997

36- www.royaninstitute.org

37- www.hawzah.net